



۱. مبارزه طلبی آمریکائی ص ۹. باید توجه داشت که بازار مشترک محبوبانه شروع کرده است به جلوگیری از فعالیت‌های ش ج م. از طریق اعمال فشارهای ضد تراست علیه غول‌های رنگ شیمیائی، علیه کونستی نتال کن (شرکت‌های قوطی‌سازی قاره‌ئی)، و علیه مشارکت‌های خاص و قراردادهای بازاریابی متعدد. اما بیش‌تر این فشارها تأثیر بسیار محدودی دارد.

۲. در ۱۹۶۶، ۲۳/۲۸۲ شرکت وابسته به شرکت‌های چندملیتی آمریکائی فهرست شده که ۶۵ درصد از آنها در اقتصادهای بازار توسعه یافته جا گرفته‌اند. در محاسبه دیگری (در ۱۹۶۸-۹) این رقم به ۷۴/۷ درصد می‌رسد. تمرکز شرکت‌های وابسته به شرکت‌های چندملیتی بریتانیا در نروندترین بازارها ۶۸/۲ درصد بود در حالی که شرکت‌های چندملیتی سوئدی، سوئیسی، و آلمانی در حدود ۸۳ درصد ثبت شده است و (گزارش سازمان ملل، صفحات ۷-۱۴۳)

۳. Economies of scale صرفه‌جویی‌های مقیاس. غالباً بر اثر افزایش اندازه و مقیاس کارخانه، کار و کسب یا صنعت هزینه‌های واحد تولید کاهش می‌یابد و از این راه عوایدی به دست می‌آید. در اوضاع و احوال مساعد مقیاس بزرگ تولید منجر به صرفه‌جویی‌های مهم در موارد زیر می‌شود: زمین ... نیروی کار، سرمایه، خرید مواد اولیه یا خرید یکجا به‌بهای ارزان‌تر، و مانند این‌ها. نقل به‌اختصار از فرهنگ علوم اقتصادی، دکتر متوجه فرهنگ، ص ۳۶۱

۴. INPUT: داده‌ها؛ منابع؛ عوامل به‌کار رفته؛ وارده؛ مجموعه عواملی که برای تولید ضروری است، مانند مواد اولیه، استهلاک ماشین، کار انسانی و غیره. فرهنگ علوم اقتصادی، ص ۵۸۷

۵. عامل «اندازه» سازمانی در منافع مثبتی بر انحصار ناقص ش ج م تعیین کننده است. شرکت‌هایی که بر بازار تأثیر بسیار دارند، همان‌هایی هستند که عظیم‌ترین نفوذ را در اقتصادهای میزبان ماورای بحار (آن سوی دریاها) اعمال می‌کنند. شرکت‌هایی که در رأس لیست پاتصد کورپوراسیونی آمریکا قرار دارند که در مجله فورچون (Fortune) منتشر شده، یا هزار کورپوراسیون بریتانیا که در تایمز منتشر شده، (با چند استثناء مهم) همان‌هایی هستند که در بخش‌های رشد و صادرات اقتصادهای کشورهای دیگر عمل می‌کنند. کوشش‌هایی چند شده است تا این نکته را تبیین کنند که چرا شرکت‌های عظیم همان کشور در گسترش عملیات‌شان در ماوراء بحار این همه سریع عمل می‌کنند...

۶. تمرکز سنگین سرمایه‌گذاری ش ج م در صنایع تولیدی و لغتی در سراسر گزارش سازمان ملل تأکید شده است (صفحات ۱۵-۱۰ و جدول‌های ۱۳ و ۱۸). این صنایع ۷۵ درصد از سرمایه‌گذاری‌های ش ج م را در توسعه یافته‌ترین یا «بالغ‌ترین» اقتصادها جذب می‌کند. مسلماً سرمایه‌گذاری‌های مرکب شرکت‌های چندملیتی دریافت‌کننده بندرت از ۵ درصد محصول ناخالص داخلی کشور میزبان بیش‌تر می‌شود. لیکن انتخاب دقیق محل و تمرکز این سرمایه اجازه می‌دهد که وابستگان بیگانه بر هوایمانی زاین، اتومبیل‌سازی بریتانیا، مهندسی فرانسه، الکترونیک بلژیک یا پالایش نفت ایتالیا تسلط یابند. انگیزه‌های ش ج م در تعقیب این الگوی تمرکز در کتاب استفورد و ولز به نام «اداره مؤسسه چندملیتی» و نیز در کتاب ریسوند ورتون به نام «حاکمیت در خلیج» بررسی شده است.

موفقیت بسیار بهتری برخوردار بوده‌اند. تا جایی که مثلاً هنریک پسر پادشاه کنگو در سال ۱۵۱۸ رسماً در رم به‌مقام اسقفی رسید. به‌اعتقاد برخی از محققین قیام لوتر و ضربات ۹۵ گانه‌ی که او بر بیکر کلیسای کاتولیک وارد آورد و از طرف دیگر امکانات بالقوه‌ی که کشورهای آسیایی تحت فشار فاتحان نثار مهاجمان کردند از عوامل بازدارنده‌ی بی‌شمار بود که موجب شد ماجراجویان پرتغالی و انگلیسی نه در آفریقا بل که در آسیا استقرار یابند. قاره‌ی آفریقا علی‌رغم آن که «گاما» در سال ۱۹۴۷ میلادی آن را شناخته بود - حداقل در مقایسه با آسیا و به‌صورت رسمی تا کنگره‌ی برلین در سال‌های ۸۵-۱۸۸۴ در زنجیر سلطه‌ی اروپائیان گرفتار نبود. استثمار این قاره تا قبل از این تاریخ به‌صورت برده‌فروشی، استخراج معادن نزدیک به‌سطح زمین و معادن ساحلی، شکار حیوانات و ایجاد مزارع پراکنده‌ی کشاورزی بود. در حالی که براساس تصمیمات کنگره‌ی دولت‌های بزرگ اروپایی یا تدوین قواعد و مرزبندی نواحی مختلف آفریقا هر یک قسمتی از آن را عملاً تصاحب کرده ملک‌ی طلق خود دانستند.

قدرت‌های اروپایی با برنامه‌ریزی‌های دقیق به‌استثمار بی‌امان منطقه‌ی تحت سلطه‌ی خویش پرداختند و با اعزام کارگزاران و عوامل خود دورترین نقاط ناشناخته‌ی این قاره را شناسایی و تصاحب کردند. تا جایی که در سال ۱۹۰۰ وجیبی از خاک این قاره نبود که پای سفیدپوستان به‌آن نرسیده باشد و به‌کشوری از ممالک اروپایی و شهروندان آن تعلق نداشته باشد.

استثمار با برنامه‌ی قاره‌ی آفریقا دیرتر از سایر سرزمین‌های تحت سلطه‌ی جهان آغاز شد. در زمانی که چیزی نمانده بود که گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی و ملی ممالک وابسته آسیا مبارزه‌ی خود را با استعمارگران به‌ثمر برسانند، قاره‌ی آفریقا در انزوا و سکوت کامل هستی خود را تسلیم دولت‌های سرمایه‌دار می‌کرد. بدین لحاظ تحقق سه عامل «تحکیم رهبری برای توسعه»، «تغییرات اقتصادی و اجتماعی» و «یگانگی جامعه»^{۱۱} در قاره‌ی سیاه کاملاً با دیگر سرزمین‌های جهان سوم تفاوت دارد. به‌استثنای چند کشور در شمال فرایند تحکیم رهبری در ۴۹ کشور آفریقایی به‌طور کلی بعد از ۱۹۷۵ آغاز شده است و هیچ یک از آن‌ها هنوز حتی به‌مرحله‌ی دوم یعنی «تغییرات اقتصادی و اجتماعی» گام نگذاشته است:

۲. نگاه کنید به‌مقاله «توسعه‌طلبی و تسلط نظامی ایالات متحده...» در شماره ۱۴ کتاب جمعه به‌عین قلم.

اجتماعات گوناگون با یکدیگر تماس می‌گیرند؛ زیرا در آغاز تمدن خاندان‌ها، قبایل و غیره بودند نه افراد خاص که در وضعی مستقل با یکدیگر روبه‌رو می‌شدند. اجتماعات گوناگون در محیط طبیعی‌شان وسایل تولید و وسایل زیست گوناگون می‌یابند. از این رو هم شیوه‌های تولید و شیوه‌های زندگی و هم محصولات‌شان متفاوت است. همین تفاوت خود به‌خود رشد یافته، در تماس اجتماعات متفاوت، موجب مبادله متقابل محصولات و سپس تبدیل تدریجی آن محصولات را به کالا می‌شود... یک چنین تقسیم کار از مبادله میان حوزه‌های تولید ناشی می‌شود که اساساً متمایز و مستقل از یکدیگرند.^(۵) بنابراین؛ افزایش جمعیت و تولید، قدرت و تجارت، شرایط مقدماتی لازم تقسیم کار است.

بزرگ‌ترین تقسیم جسمی و فکری کار، جدائی شهر و ده است. تخصیص میان شهر و ده با گذار از بریت به تمدن، از قبیله به دولت، از محل به کشور شروع می‌شود و در سراسر تاریخ تمدن تا زمان حال ادامه می‌یابد... در عین حال وجود شهر، ضرورت حکومت، پلیس، مالیات، خلاصه شهرداری و به‌طور کلی سیاست را می‌رساند. در اینجا برای اولین بار تقسیم جمعیت به دو طبقه بزرگ متجلی می‌شود که مستقیماً بر شالوده تقسیم کار و تقسیم وسایل تولید قرار دارد. شهر در واقع محل تمرکز جمعیت، تمرکز وسایل تولید، تمرکز سرمایه، تمرکز لذت‌ و نیازمندی‌هاست. حال آن که ده درست نمایانگر واقعیتی متضاد است، یعنی انزوا و جدائی آن‌ها را نشان می‌دهد. تخصیص شهر و روستا فقط چون بی‌آمد مالکیت خصوصی می‌تواند وجود داشته باشد. این خشن‌ترین نمایش انقیاد فرد تحت سلطه تقسیم کار است که تحت فعالیت معینی بر او تحمیل شده است؛ این انقیاد یکی را مبدل به حیوان شهری مقید می‌کند و دیگری را مبدل به حیوان روستائی مقید، و هر روز تعارضات جدیدی میان منافع آنان ایجاد می‌کند.^(۶)

تقسیم کار، خواه از لحاظ اجتماعی، خواه در مانوفاکتور، نه فقط موجب پیشرفت و عینیت یافتن موهبت‌های بالقوه نهفته در نژاد بشری می‌شود، بل که متضمن «فلج شدن روانی و جسمی معینی»^(۷) نیز هست.

صنعتگر هنوز در خانه و با خود بود و با وجود تمام محدودیت‌هایش هر چیزی را شسته و رفته و کامل تولید می‌کرد.

این تقسیم کار میان واحدهای صنفی هنوز در شهرها شکلی کاملاً طبیعی داشت. و در داخل خود اصناف هم این تقسیم کار به‌هیچ وجه میان کارگران

نیز به عنوان بازار موقت کار، نیروی کار قابل توجهی را از منطقه و دیگر نقاط کشور جذب کرده است.

نقش و نشان روشن و زنده کار ماهیگیری جنوب را می توان در چاه بهار سراغ گرفت. چاه بهار به برکت ماهیگیرانش چهره نسی بومی تر و هویتی آشکارتر از بندرعباس دارد، گرچه نشانه های موجود در آن، خیر از دگرگونی هائی سریع و نزدیک و تحمیلی می دهد. همین حالا هم جریان صید که فروکش می کند، بیشتر ماهیگیران به شکلی دست شان را در فعالیت های ساختمانی و راه سازی منطقه بند می کنند یا وارد جریان واسطگی خرید و فروش کالاهای خارجی می شوند.

خانه های آجرساز داخل شهر، بیشتر از آن کارمندان ادارات و نوکیده های بومی است که در مسیر موقعیت های پیش آمده به جانی رسیده اند. ماهیگیران و دیگر بومیان بندر که از طریق خرده فروشی و کارگری چرخ لنگ زندگی شان می گردد در چادرها و کپه های نزدیک ساحل زندگی می کنند.

ماهیگیری در چاه بهار، برخلاف سواحل دریای شمال، در تمام فصل ها به راه است و فقط در تابستان به جهت طوفانهای شدید تداومش را از دست می دهد.

دو سه ساعت بعد از نیمه شب، سوار بر قایق به آب می زنند و هنگام غروب به ساحل برمی گردند. در تابستان، خورشید که فرو می نشیند،

در گروه های چهار پنج نفری قایق به آب می اندازند و صبح از ساعت پنج و شش، پس از سپیدی سحر و طلوع خورشید راه بازگشت در پیش می گیرند.

گاه برای چند روز در دریا می مانند تا دست خالی به ساحل باز نگردند. کلاً، کار در چارچوب فعالیت یک خانواده روی یک قایق امکان پذیر نیست و ماهیگیران در قالب گروه های چند خانوادگی در هزینه و درآمد قایق شرکت دارند.

در جریان ماهیگیری، انتقال ماهی به ساحل، شکافتن و شستن ماهی ها، خشک کردن و نسک زدن و فروش ماهی ها و دیگر مراحل کار، به نسبت قوت و کارآئی افراد، نوعی تقسیم کار شکل گرفته است که در مراحل تخصصی ترکار، همچون جمع آوری و گسترده تور و شکافتن و شستن ماهی ها جافتادگی بیشتری دارد. زنان بیشتر در بافتن و تعمیر تور فعالیت دارند. بچه ها هم کم و بیش در تمام مراحل کار کمک بزرگترها هستند و نقش خود را در چرخش اقتصاد خانواده خیلی زود در می یابند.

چندا از مصرف خودی، مازاد محصول را از طریق واسطه ها به داخل منطقه می فرستند یا برای کنسرو شدن و صدور راهی شیلات بندرعباس می شود.

در تابستان و دیگر فصل ها ماهیگیران روزها را به تعمیر تورها، مرمت و روغن زدن به بدنه قایق (برای پیش گیری از ترک خوردن چوب ها) و

به بیماری‌های انگلی و غیره سودی ندارد، و همواره سلامت مصرف‌کنندگان را به‌خطر می‌اندازد.

بازار فروش ماهی خشک به‌طور کلی بخش وسیعی از بلوچستان را دربرمی‌گیرد. به‌طوری که حتی در اطراف زاهدان هم ماهی خشک خریدار دارد. بیش‌تر بازارهای فروش ماهی خشک در مناطق روستایی است. به‌ویژه روستاهای اطراف ایرانشهر، رشتیاری، نیک‌شهر، کنارک و چاه‌بهار. در این مناطق افرادی هستند که فقط به‌کار خرید و فروش ماهی خشک اشتغال دارند. این افراد ماهی خشک را از چاه‌بهار و مناطق مجاور آن خریداری کرده و در محل به‌اهالی عرضه می‌کنند. قیمت ماهی خشک در بازار ماهی‌فروشان چاه‌بهار به‌طور کلی ارزان‌تر از قیمت ماهی تازه است. اما اهالی مناطق اطراف به‌دلت وجود واسطه‌های متعدد ماهی خشک را گران‌تر از ماهی تازه می‌خرند.

کودماهی: ماهی را به‌منظور استفاده از گوشت آن صید می‌کنند اما از بعضی از ماهی‌ها مانند «تین» و «کوسه‌ماهی» و غیره فقط برای تهیه کود استفاده می‌کنند. البته از چگر این ماهی‌ها ماده‌ئی تهیه می‌کنند که به‌استحکام بدنه قایق در مقابل آب دریا می‌افزاید^{۱۱۱}. صیادان این نوع ماهی را پس از صید به‌واسطه‌ها می‌فروشند و واسطه‌ها هم آن را خشک کرده با آن ماهی‌هایی که از شدت گندیدگی و فساد دیگر قابل فروش نیست، به‌عنوان کودماهی به‌خریداران آن می‌فروشند.

نقش ادارات و سازمان‌های دولتی منطقه در امور مربوط به صید ماهی:

از میان همه سازمان‌ها و ادارات دولتی که هر يك به‌نحوی می‌توانند در کار صید ماهی سهمی داشته‌باشد (یعنی سازمان‌هایی چون سازمان شیلات، اداره شکاربانی - سازمان کشتی‌رانی و بنادر، شهرداری، گمرک و بهداری) فقط شهرداری و گمرک، مختصری از کارهای وابسته به صید ماهی را به‌عهده گرفته‌اند. که آن هم به‌علل گوناگون یا به‌صورت رفع تکلیف درآمده یا آن که با ایجاد محدودیت‌های بیش‌تری که در کار صید اعمال می‌کنند، مشکلات بیش‌تری را برای صیادان منطقه فراهم آورده‌اند. بنابراین حرفه صیادی و بازار خرید و فروش ماهی در منطقه با مسائل و مشکلات فراوانی رو به‌روست. واسطه‌ها با تسلطی که بر بازار خرید و فروش ماهی دارند، از هیچ‌گونه

شرکت‌های ساختمانی منطقه است. اما چون در طیس بیش‌تر صیادان مختصر زمین و درختی دارند، فعالیت‌های غیرماهگیری آنان به‌طور کلی به‌کار کشاورزی اختصاص می‌یابد.

ناگفته نماند که یکی دیگر از فعالیت‌های غیرماهگیری تعدادی از صیادان منطقه، حمل اجناس قاچاق (سیگار، رادیو، ضبط صوت، تلویزیون و غیره) ازدوبی و سایر کشورهای آن سوی خلیج فارس است.

یادداشت‌ها:

۱. این پایگاه دریائی روی تپه‌ی احدات شده که مشرف به دریاست و بر سر راه‌جاده بهارو طیس و نیک‌شهر واقع است. این قلعه امروزه مخروبه است.
۲. به‌ندرت می‌توان یک غیربومی را درجاده بهاریافت که سال‌ها در آن محل زندگی کرده باشد. غالب کارمندان غیربومی نمی‌توانند بیش از دو الی سه سال در این منطقه زندگی کنند.
۳. البته موارد استثنائی هم هست. اما زنان صیادان طیس به‌جای مشارکت در کارهای ماهگیری شوهران‌شان به‌طور کلی به‌کارهای گلدوزی و دوختگی و غیره می‌پردازند.
۴. در بلوچستان «خرماخوری» اصطلاحاً بمعنی خرماچینی در ازای دریافت خرماست. این اصطلاح در مورد افراد و گروه‌هایی به‌کار می‌رود که هنگام برداشت محصول خرما محل زندگی خود را ترک کرده به‌مناطق می‌روند که نخلستان دارد و برای صاحبان نخلستان‌ها خرما می‌چینند. این‌ها معمولاً دستمزد جنسی می‌گیرند که همان خرماست. یعنی صاحبان نخلستان در قبال خرماچینی به‌آنها پول نمی‌پردازند بلکه مقداری خرما می‌دهند. شکی نیست که این رسم ناشی از فقر شدیدی است که در منطقه حاکم است.
۵. نام شهری کوچک و روستاهائی در اطراف‌جاده بهار.
۶. «شراع» در لغت بمعنای «خیمه» و «سایبان» و آن اطاقکی است که با چوب و حصیر می‌سازند. ابعاد شراع‌ها متفاوت است اما اندازه معمولی و متوسط آن تقریباً ۳×۳ است.
۷. «تنگار» سایه‌بانی است با سقفی حصیری.
۸. همه‌آزاده‌های کار صیادان از قایق و لنج گرفته تا جزئی‌ترین وسیله صید. قدیمی است.
۹. در اصطلاح محلی به‌بازار ماهی‌فروشان «مارکیت» می‌گویند که همان کلمه Market انگلیسی است. در سرتاسر جنوب از این گونه مصطلحات فراوان است که عمومیت استفاده از آن بادگان حضور نیروهای نظامی بریتانیائی در سال‌های گذشته است. از آن‌جا که بازار به‌معنای مکانی است که محل تلاقی عرضه و تقاضاست و این مفهوم را در سرتاسر ایران می‌شناسند، در اینجا نیز همان اصطلاح بازار ماهی‌فروشان را به‌کار برده‌ایم که مراد از آن مکانی است که در آن فقط ماهی می‌فروشند.
۱۰. هر «پفل» در حدود ۱/۵ متر است و آن فاصله میان سرانگشتان دو دست است. وقتی که دست‌ها را کاملاً به‌طرفین باز کرده باشند.
۱۱. «چشم» نخ‌های افقی و عمودی نور است که به‌فاصله ۸×۱۶ سانتی‌متری با گیره‌هایی به‌یکدیگر متصل شده‌اند.
۱۲. ناخذای قایق ماهیگیری به‌علت تجربه‌ی که در کار صید دارد، می‌تواند از چند طریق محل تجمع ماهیان را در دریا تشخیص دهد. این روش‌ها عبارت است از:

۱. ماهی در قسمتی از آب دریا زندگی می‌کند که سنگی و صخره‌ئی باشد نه صاف و ماسه‌ئی.
۲. صیادان به نجر به دریافته‌اند که هرگاه آب قسمتی از دریا به رنگ زرد در آید ماهی در آن فراوان است.
۳. ناخداها می‌گویند ماهی‌ها، به خصوص در شب، صداهائی تولید می‌کنند که آنان به آسانی آن صداها را می‌شناسند.
۴. صیادان معتقدند که پرواز مرغان دریائی بر فراز نقطه‌ئی از دریا نشانه آن است که در آن محل ماهی فراوان است. و چیزهائی از این گونه.
۱۳. «بگدار» به قایق ماهیگیری می‌گویند، خاصه قایق‌های مخصوص به آب ریختن تورهای روآبی و زیرآبی.
۱۴. «ساتو» نام قسمتی از بگدار (قایق) است که به منزله انبار از آن استفاده می‌کنند و هنگام صید، ماهی‌های صید شده را در آن می‌ریزند.
۱۵. علمدار نوعی تیر چوبی است به طول $4/5$ متر که انتهای آن کلفت‌تر است. صیادان به انتهای علمدار چند قطعه سنگ می‌بندند تا در آب به طور عمودی بایستد. چهار یا پنج بوج هم به وسط علمدار نصب می‌کنند. این بوج‌ها از فرو رفتن علمدار در آب جلوگیری می‌کند. صیادان پارچه معمولاً سفیدی به نام «برجم» به انتهای آن قسمت از علمدار که بیرون از آب است نصب می‌کنند.
۱۶. «بوج» وسیله‌ئی است که صیادان با آن اندازه فرو رفتن تور را در داخل آب کنترل می‌کنند. بوج در عین حال از جمع شدن تور در آب هم جلوگیری می‌کند. بوج را معمولاً از جوب پنبه یا پتولیت می‌سازند. بیضی شکل است و اندازه‌های کوچک، متوسط و بزرگ دارد. بوج را معمولاً از پاکستان و دوی می‌خرند.
۱۷. قلاب چارشاخ از چهار طرف دارای شاخه‌های جنگل مانند‌ئی است که هر يك خود می‌تواند کار يك قلاب را بکند.
۱۸. «لاج» زنبیلی است که آن را از برگ درخت خرما می‌سازند و به آن «چلی» هم می‌گویند.
۱۹. یکی از نگرانی‌های صیادان در فصل صید، نبودن خریدار در محل است که در این صورت باید به بندر عباس رفته و ماهی‌های صید شده را در آن جا بفروشند. واسطه‌های چابهار به خوبی از این نگرانی صیادان باخبرند و از آن برای استعمار صیادان بهره‌برداری می‌کنند.
۲۰. در چابهار ماهی را دانته‌ئی می‌فروشند. نه کیلویی و قیمت هر ماهی به اندازه نوع آن بستگی دارد.
۲۱. واسطه‌ها از آن رو مایل به خشک کردن ماهی نیستند که از طرفی می‌توانند ماهی تازه را گران‌تر بفروشند و از طرف دیگر خشک کردن ماهی مستلزم هزینه و مشکلاتی است. اما میزان صید در فصول ماهیگیری بیش از نیازهای خریداران است و واسطه‌ها ناگزیر می‌شوند که برای جلوگیری از فاسد شدن ماهی‌های بفروش ترفه آن را خشک کنند.
۲۲. جگر این ماهی‌ها چربی بسیار زیادی دارد. این چربی از طرفی به جسم نخته‌های بدنه قایق نفوذ کرده مانع نفوذ آب به آن‌ها می‌شود که این خود مانع یوسیدگی سریع نخته‌هاست. و از طرف دیگر، به سبب غلظت زیادی که جگر این ماهی‌ها دارد، معمولاً از آن برای پر کردن دوز و منافذ قایق‌های توساز استفاده می‌کنند. از این گذشته، اهالی از جگر ماهی «پتن» استفاده دارونی هم می‌کنند. به این معنی که جگر این ماهی را به محل درد می‌مالند و معتقدند که این کار پادبیدن را از بین برده، در نتیجه درد آرام می‌گیرد.
۲۳. این نوع لنج‌ها به علت بزرگی و سنگینی نمی‌تواند تا ساحل بیثروی کند و به ناگزیر باید در فاصله‌ئی نسبتاً دورتر از ساحل لنگر بیندازد. باز این لنج‌ها را قایق‌های کوچک‌تر به ساحل حمل می‌کنند. این قایق‌های کوچک معمولاً همان قایق‌های ماهیگیری است.

و نفرینی لری است که به اسب می گویند «یال و دُمت بریده باد؛ یالِ دُویست
بووری یعنی صاحبت بعمرده». اسب با زندگانی روستانشینان و عشایر این
مناطق پیوندی استوار دارد و چنان است که سنگ قبرهای کهن ایلامی و لری
غالباً با نقش اسب تزئین شده و شاید نقش اسب سمبولی است بازمانده از
تدفین اسب با مرده، تا مرده در جهان دیگر بی اسب نباشد. در این مراسم
علاوه بر آرایش اسب پیش از اجرای مراسم علم و کتل هائی از پارچه فراهم
می کنند تا به هنگام مراسم آن را به دست مردان بدهند. گرفتن علم و کتل نماد
نرینگی و خاص مردان است و زنان در صف عزازادان فقط پارچه‌ئی سیاه را
جلو خود می گیرند؛ این پارچه سیاه رنگ معمولاً يك توب پارچه است که هر
چه تعداد زنان زیادتر می شود آن را بیش تر می گشایند و صف طولانی تر
می شود.

خره و گل: پیش از شروع «چمر» در گوشه‌ئی از میدان تفراری از گل
می گذارند تا تازه واردان کلاه و شانه‌ها یا روی سینه لباس خود را «خره»
بمالند. صاحب عزاکلاه خود یا تکه‌ئی پارچه یا تکه‌ئی «دوار» Dawar (پارچه
بافته شده از موی بز و مخصوص سیاه چادر) را به «خره» آغشته می کند و آن
را حمایل می کند؛ زن صاحب عزّا نیز گاه چنین می کند یا سر بند خود را گل
می گیرد.

صف بستن و شروع «چمر»: روز اجرای «چمر» با برآمدن آفتاب و
بعد از چاشت اهالی ده یا ایل و صاحبان عزّا یا بلند شدن صدای «چمر»
(سرنا و دهل عزّا) در میدان جمع می شوند و صف می بندند. نخست مردان
صف می بندند و علم و کتل‌ها را در قسمت‌های مختلف صف جا می دهند؛ بعد
زنان در انتهای صف مردان صف می بندند و پارچه‌ئی سیاه را جلوی خود
می گیرند. «پسی بیش» و «روکر»ها یا همسرایان مرتبه خوانی را با نوائی آغاز
می کنند که به سان «هق هق» است و با ضربه‌های کشدار و ناپیوسته طبل
همانگ است. همسرایان با این نوا از جلوی صف می گذرند و با رسیدن
به پایان صف به آرامی باز می گردند و این کار را تکرار می کنند. نوازندگان در
مدخل میدان ایستاده‌اند و با فرا رسیدن هر گروه از مدعوین «چمر» را
می نوازند. مردان و زنان صاحب عزّا به استقبال مدعوین می روند. پیش از این
دختر بزرگ یا همسر جوان کسی که مرده است پس از شنیدن خبر مرگ پدر
یا شوهر گیسوان بلند و بافته خود را از بن می برد و هنگام اجرای مراسم



این سند به وسیله «اتحادیه سراسری شوراهای انقلابی اسلامی...» برای ما ارسال شده و ضمن یادداشتی آن را به عنوان «اولین انتقاد اصولی درباره مصوبات دولت در مورد شوراهای معرفی کرده اند. کتاب جمعه این سند را به عنوان تکمیلی بر مقاله آقای محمد مختاری (در شماره قبلی) منتشر می‌کند.

ایرادات و ابهامات اصول مصوب دولت در مورد تشکیل شورای کارکنان مؤسسات دولتی و خصوصی

محترم می‌بایست اصل وجود شورا و حیطه اقتدار و مسئولیت‌های آن را از تصویب بگذرانند و طرح جزئیات سازمان و وظایف و مسئولیت و نقش خاص شورا را به عهده هر یک از آنها بگذارند. اولین اصل نظام

اصول پیشنهادی کلاً، بدون توجه به ویژگی‌ها و تفاوت‌های انواع و اقسام «مؤسسات دولتی و خصوصی» اعم از تولیدی و خدماتی، سعی نموده یک قالب استاندارد برای تمامی «شوراها» ارائه دهند. دولت